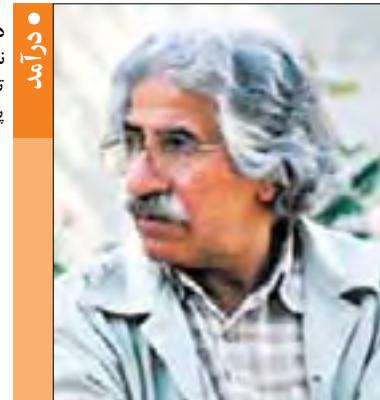




دکتر محمد حسین حلیمی در سال ۱۳۱۹ در شهر همدان متولد شد. وی که لیسانس نقاشی از داشکده هنرهای زیبا، فوق لیسانس گرافیک از مدرسه عالی هنرهای تزئینی پاریس، فوق لیسانس هنرهای تجسمی و دکتراز زیبایی شناسی از سوربن پاریس دارد، درباره تابلوهای نقاشی بجا مانده از چمران به گفت و گو نشستم.

■ «مروی بر نقاشی‌های شهید چمران» در گفت شنود شاهد یاران با
دکتر محمد حسین حلیمی، استاد داشکده هنرهای زیبای تهران

تصویر گر حقیقت کلمات...



یکی از آثار جالب شهید چمران، تمثال حضرت امیر(ع) است که در داخل صفحات یکی از آثار ایشان هم چاپ شده، لطفاً درباره این اثر هم توضیح بدهید.

مهندس چمران گفته‌اند که: تعدادی از تابلوهای شهید چمران که در لبنان بوده، هنوز هم انجاست. ایشان می‌گویند که بادم هست که آن را اول بار سیاه و سفید برای من کشید. آن زمان من خود را کمی بوس کردم و گفتم: چرا سیاه و سفید کشیدی؟ هفته بعد ایشان رنگی آن را هم کشیدند. اصل آن سیاه و سفید است.

یک نکته دیگر در کارهای نقاشی دکتر چمران این است که او عاشق حرکت بوده و این تحرک در همه آثارش مشهود است. البته حرکت، حرکت خشن نیست بلکه لطیف و بی وزن است. حرکت ممکن است حالتهای متفاوتی داشته باشد. حرکت گاه به وسیله یک شیء انجام می‌گیرد مثل حرکت قطار. گاهی هم ممکن است حرکت به وسیله یک پرنده انجام بشود و بالا لطافت یک شعر و یک پیام همراه باشد. نوع حرکتی که در آثار ایشان است، با توجه به سمبولهایی که برای کارهایش انتخاب کرده، نشان می‌دهد که حرکت، حرکت دورانی نیست.

از یک نقطه افقی به یک نقطه دیگر نیست بلکه حرکت از پایین به بالاست. این حرکت از پایین به بالا را شما در تمام آثارشان می‌بینید. در تابلو «اسب» («شمع» و «کبوتر») و حتی در تابلوی به ظاهر ایستایی که از حضرت امیر(ع) است، در آنجا هم نگاه و منظر حضرت امیر(ع) رو به بالاست، سینگی نظر از پایین حرکت می‌کند و به سمت بالاست. در تابلوهای دیگر این حرکت صعودی در شعله شمع که می‌سوزد در حرکت اسب و پرندگان هم دیده می‌شود که نوعی ناپایداری را نشان می‌دهد. حرکت به نقطه‌ای است که آن نقطه، نقطه اوج یا نقطه شهادت است.

به طور کلی نقاشی تا چه حد می‌تواند انسان را به حقیقت رهمنو کند؟

همانطور که گفتگو، برای رسیدن به لجه شناخت و حقیقت از خلیل راهها می‌توان رفت، حتی از طریق ریاضیات و طبیعت. حتی از یک برگ درخت هم می‌شود به مسیر اورد شد. ولی به نظر می‌رسد که راه نقاشی - البته اگر درست انتخاب شود - یک راه میانبر است. اگر از دیدگاه تخصصی و تکنیکی بخواهد آثار نقاشی شهید چمران را تحلیل کنید، کدام یک از آثار را واحد تکنیک خاصی می‌دانید؟

آثار دکتر چمران را اگر بخواهیم از دیدگاه تخصصی نگاه کنیم، به کار آطممه می‌زنیم، البته درین آثار ایشان اثیری که نشان‌دهنده ترکیبی از آب و بیکرانگی دریاست، کاری کاملاً فنی، حرفه‌ای و از نظر تکنیکی موفق است، به نظر من همه آثار نقاشی شهید چمران را باید در کنار هم و با هم دید، این آثار به باور من با کلماتی مطابقت دارد اینجا به «نقشه» و «تصویر» تبدیل شده‌اند و حدت یافته‌اند. در کل یک نوع یکدستی بین حرف و عمل و گفتار و کردار را نشان می‌دهند.

یک سمبول شناخته شده، هم در فرهنگ ما و هم در فرهنگ بشری است. ما در فرهنگ ایران، رخش و شبیدز را داریم و در فرهنگ اسلامی مان هم «براق و دوالجناح» را داریم. اسب نمادی از حرکت، عصیان، پیوایی و رفتن است. وقتی در یک نگاه کلی، این سه سمل (اسب)، «کبوتر» و «شمع» را کارهای بگذاریم، با مفهوم واحدی از «سمبلولیسم»، به عالم دکتر چمران وارد می‌شویم عالمی که معروف اعاده عرفانی ایشان است.

از نظر شما آثار یک هنرمند تا چه حدی می‌تواند انعکاس دهنده صادق روحیه و تفکر یک هنرمند باشد؟

■ ■ ■
او عاشق حرکت بوده و این تحرک در همه آثارش مشهود است. حرکت گاه به وسیله یک شیء انجام می‌گیرد مثل حرکت قطار. گاهی هم ممکن است حرکت به وسیله یک پرنده انجام بشود و بالا لطافت یک شعر و یک پیام همراه باشد. نوع حرکتی که در آثار ایشان است، با توجه به سمبولهایی که برای کارهایش انتخاب کرده، نشان می‌دهد.

تا حد سیار زیادی، اصولاً اگر دوگانگی در نظر یا عمل هنرمندی باشد، در آثارش متوجه می‌شود و به همین دلیل، وقتی به آثار نقاشی دکتر چمران نگاه می‌کنیم، می‌بینیم همه آنها نشان دهنده یکدستی نظر و عمل یا گفتار و کردار ایشانند و در حقیقت نگاه و ذرفای او را نشان می‌دهند.

این آثار در چه زمانی و کجا کشیده شده‌اند؟
چنانچه مهندس چمران گفته‌اند گویا پس از پیروزی انقلاب و در همین جا در بیان ایشان زمانی که وزیر دفاع بود، در آن شرایط خاص و پیحرانی، شیوه‌ای که به خانه می‌آمد گاه ساعت ۱۲ شب به بعد این تابلوها را کشیده است.

جناب دکتر حلیمی تقاضا می‌کنیم ابتدا از سایه‌آشنا باید با شهید چمران برایمان صحبت کنید و بعد هم تحلیلی در مورد مسائل و آثار هنری ایشان داشته باشید.

متاسفانه من این سعادت را نداشتم که از نزدیک از وجود بسیار استثنای دکتر چمران بپرم، با توصیفاتی که از طرف دوستان از شهید چمران شده، خودم را در این رابطه کم توفيق می‌بینم. از طرف دیگر سعادتمند به خاطر این که از طرقی یکی از بستگان ایشان در طیف خاص دکتر چمران قرار گرفته‌انم، البته در حاشیه، نه مثل دوستانی که در طیف نورانی دکتر چمران قرار داشتند.

وقتی از بنده خواسته شد که تحلیلی درباره آثار نقاشی آثار دکتر چمران داشته باشم، تقاضا کرد تصاویری از آثار نقاشی دکتر چمران را اگر ممکن است برایم بفرستند تا درباره تقدیمهای ایشان را ببینم، این تصاویر را قلاید بودم، اما با عجله از کارشان گذشته بودم و چیزی در ذهنم نمانده بود. به نظر رسید که اگر دکتر چمران در زمان ما قرار نداشتند و در گیر این همه مسائل سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی و علمی نبودند، در شرایط مناسب، اگر به سیاست هنر می‌آمدند قطعاً در این زمینه هم یک تازی می‌کردند. من فکر می‌کنم دکتر چمران برای رسیدن به «حقیقت» تحریه‌های متعددی را دنبال کرده است. این تحریه‌ها در زمینه‌های مختلفی مثل فلسفه، عرفان و دین و حتی «طبیعت» بوده است. خب، بعضی از علوم مثل هندسه هم می‌تواند وسیله‌ای برای رسیدن به حقیقت قرار بگیرند. دکتر چمران همه راه را تجربه می‌کرد. این بهترین شیوه‌ای بود که سریعتر هم به نتیجه می‌رسید. در نگاهی به آثار ایشان می‌بینیم که دکتر چمران با انتخاب یکسان سمبولها که هدف و رهنمود ممکن است، می‌خواسته است و معنی به آن «حقیقت واحد» اشاره کند. به همین دلیل در آثار نقاشی خودش از سمبولهایی مثل «اسب سفید»، «شمع» و «کبوتر» استفاده کرده است. شمع، هم سمبول نور شخصی و شعله است و هم نماد خلوص و شادمانی، (کبوتر) هم سمبول عنق است و هم نماد پیام و رابطه آسمان با زمین. وسطه‌ای که ما را عالم بالا پیوند می‌دهد. در حقیقت کبوتر نمادی از سبکی، بی وزن شدن و نمایشگر روح آزاد شده از جسم است.

یکی از آثار ایشان، تابلوی یک اسب سفید است. «اسب سفید»

